

وابسته بودن یب پول به پول دیگر*

مترجم: محمد علی حقی

برخی کشورهای در حال توسعه هنوز اجازه می‌دهند که نرخ تبدیل پول آنها ارزشی بیش از نرخ واقعی پیدا کند. نتیجه این امر همیشه بد، و گاهی اوقات مصیبت‌آمیز است.

کشورهای صنعتی از سال ۱۹۷۳ تاکنون با نرخهای شدید تناور به سر برده‌اند. کشورهای در حال توسعه، به گذاشتن پول خود در معرض تاثیر نیروهای بازار کمتر تمایل دارند. پول بیشتر از ۴۰٪ این کشورها هنوز به یکی از پولهای عمده تثبیت شده است. با اینکه، نرخ تورم آنها به طور استثنایی، به همان اندازه، نرخ تورم در آمریکا، ژاپن و با اروپا پایین است، نرخ تبدیل تثبیت شده آنها به زودی دارای ارزشی بیش از ارزش واقعی می‌گردد.

برخی کشورهای فقیر با ایجاد چند نرخ تبدیل یکی برای بازرگانی، دیگری برای معاملات مالی و نظایر آن - به این مسئله پاسخ می‌دهند. کشورهای دیگر به استفاده بیشتر از کنترلهای وارداتی تمایل نشان می‌دهند. معمولاً چنین اقداماتی تنها کشاورزان و صنایع کشور را بیشتر غیرقابل رقابت می‌کند.

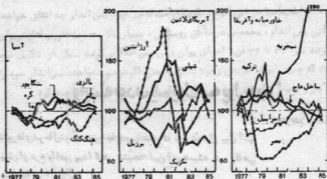
نمودارهای صفحه بعد، نرخ تبدیل عملی واقعی را نشان می‌دهد. این نرخها، راهنمای برای روند قابلیت رقابت بین‌المللی است. هر افزایشی در شاخص به معنی کاهش در قابلیت رقابت است. دو خطر در استفاده از این نمودارها وجود دارد. اول آنکه، آنها عواملی غیر از قیمت، چون کیفیت و تاریخ تحویل را که بر صادرات تأثیر می‌گذارد به حساب نیاورده‌اند. دوم اینکه، شاخصهای قیمت در بسیاری از کشورهای جهان سوم راهنمای خوبی برای نشان دادن فشار هزینه نیستند.

در سالهای اخیر، سیاست نرخ تبدیل کشورهای در حال توسعه تحت تاثیر سه عامل قرار گرفته است:

■ افزایش بی سابقه ارزش دلار که باعث مشکلاتی برای پولهایی که هنوز با آن تثبیت شده‌اند می‌گردد.

■ نیار به رفع کسری حساب جاری. هنگامی که نرخ تبدیل واقعی افزایش می‌یابد باعث قطع سودآوری

* "Hung up on a Peg" *The Economist*, (May 18, 1985), 69.



برای تولیدکنندگان کالاهای تجاری می‌گردد و از توسعه صادرات و تولید کالاهای جانسین واردات (که مواد غذایی نیز جز آنهاست) جلوگیری می‌کند. نرخهای تبدیل بیش از ارزش واقعی تمام چیزهای خارجی، از جمله وامهای بانکی، را به نظر ارزانتر نشان می‌دهد و از این رو کشورها یک راه دروغین برای تأمین مالی کسری خود می‌یابند.

■ توجه به تورم زیاد و فزاینده. تورم سریعتر یعنی نیاز زیادتر یک بول به کاهش ارزش برای اینکه قابل رقابت باقی بماند. هنگامی که تورم بیش از ۱۰۰٪ است - برای مثال در بولیوی - تأخیر در کاهش ارزش بول، حتی برای چندروز، می‌تواند خاشبه سود یک صادرکننده را از بین ببرد. بزرگترین مشکلات از این نوع در آمریکای لاتین بوده‌است. بیشتر نرخهای تبدیل واقعی که تا سال ۱۹۸۱ در آنجا به سرعت افزایش یافتند، دچار گاهشی شدید به همان اندازه شدند. چندین بول آمریکایی و جاورمیانه نیز افزایشهای واقعی زیادی داشته‌اند. کشورهای آسیایی بسیار بهتر با این موضوع مقابله کرده و تغییرات بسیار کوچکتري در قابلیت رقابت را شاهد بوده‌اند.

تفاوتها. عمدتاً، ناشی از نرخهای تورم است. تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین با تثبیت بولهای خود به دلار، و یا تنها با کاستن از ارزش بول خود بعد از مدتی طولانی، سعی در آهسته‌کردن تورم نمودند. قدرت دلار و تورم بالاتر از حد متوسط آمریکای لاتین باعث گردید که نرخهای تبدیل بول آنها به میزان بسیار زیادی دارای اضافه ارزش گردد. به محض اینکه بانکداران خارجی از آنجا بین مالی کسریهای حساب جاری امتناع می‌کردند، کاهش ارزش زیاد بولهای آمریکای لاتین غیرقابل اجتناب می‌گردید، نرخ تبدیل واقعی "پیو" آرژانتین در طی چهار سال تا ۱۹۸۱ به میزان ۱۲۰٪ افزایش یافت و دو سال بعد، پس از یک رشته کاهش ارزش به سطح ارزش سال ۱۹۷۷ خود بازگشت.

به عنوان یک فاعده، کشورهایی که قابلیت رقابت خود را حفظ کرده‌اند، بیشتر صادر نموده و از رشد سریعتری برخوردار گشته‌اند. در طی سالهای ۱۹۷۵-۱۹۸۴، حجم صادرات در آسیا با متوسط

سالانه بیش از ۱۰٪ افزایش یافت، در حالی که این میزان در آمریکای لاتین تنها ۵٪ بود. برزیل یک نمونه منحصر به فرد در آمریکای لاتین است. به استثنای سال ۱۹۸۲، این کشور کاهش ارزش نرخ تبدیل پول خود را در حدی نگاه داشت که متضمن قابلیت رقابت آن باشد، و در نتیجه حجم صادرات خود را در طی همین دوره، سالانه ۱۰٪- که دو برابر متوسط منطقه است- افزایش داد، سال گذشته، حجم صادرات این کشور به میزان یک چهارم افزایش یافت و اقتصاد آن دوباره با رشدی تقریباً "۴٪ در سال شروع به رشد نمود.

سایر معایسه‌های بین آمریکای لاتین و آسیا خود کویا هستند. کسری حساب جاری آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۲ تا ۳۵٪ صادرات آن افزایش یافت، این میزان در آسیا تنها به ۱۰٪ بالغ گردید. میزان بدون خارجی به صورت درصدی از صادرات، در سال ۱۹۸۴، در آمریکای لاتین ۲۹۰٪ و در آسیا تنها ۸۵٪ بود. و هنگامی که اقتصاد آمریکای لاتین، پس از آنکه آثار وخیم دهنش شروع گردید، به بیکارافت نمود، محصول ناخالص داخلی (G.D.P) واقعی در آسیا شروع به رشد کرد. متوسط نرخ رشد سالانه محصول ناخالص داخلی آسیا، از سال ۱۹۸۲ تا کنون حدود ۶٪ بوده است.

ترکیه یک سابقه موفق جدید، پس از هفت سال ناسامانی اقتصادی است. نرخ تبدیل پول این کشور در اواسط سالهای دهه ۱۹۷۰ به شدت تنزل کرد ولی این تنزل برای جبران تورم سریع آن کافی نبود. نرخ تبدیل واقعی لیره ترکیه بیش از ۵۰٪ بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ افزایش پیدا کرد. رشد محصول ناخالص داخلی که در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۷ به طور متوسط ۸٪ در سال بود، در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۰ شروع به کاهش به میزان $\frac{1}{4}$ ٪ در سال نمود. دولت ترکیه در اوایل ۱۹۸۰ با کاهش ارزش لیره این مسیر را تغییر داد. نرخ تبدیل واقعی لیره در سال ۱۹۸۴ با این تر از سطح ارزش آن در سال ۱۹۷۵ بود. اقتصاد کشور در سال ۱۹۸۱ تکانی به خود داد و از آن زمان سالانه ۴٪ رشد نموده است.

مقررات نرخ تبدیل کشورهای در حال توسعه

درصد کشورها	۱۹۸۱	فوریه ۱۹۸۵
تثبیت شده به یک پول واحد	۶۲/۶	۴۶/۶
از جمله دلار آمریکا	(۴۳/۰)	(۲۶/۸)
تثبیت شده به ترکیبی از پولها (پول مرکب)	۲۳/۴	۲۹/۹
مقررات قابل انعطاف	۱۴/۰	۲۶/۷
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

مأخذ: صندوق بین‌المللی پول

